این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

سود بردن از خطا

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):
عالی‌ترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خویشتن است؛ یعنی انسان بتواند در دریای ژرف افکار و اندیشه‌ها و تمایلات و افعال و اقوال خود فرو برود و خطاهای خود را بیابد و انگشت روی آنها بگذارد و آنها را از خود دور کند. از بشر انتظار اینکه خطا نکند، خطاست، بشر جایزالخطاست؛ از بشر باید انتظار داشت که خطاهای خود را تکرار نکند، از خطاهای خود استفاده کند. یعنی چه از خطاهای خود استفاده کند؟ یعنی آنها را بشناسد و مصمم گردد که تکرار نکند.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» به استناد کتاب حکمت‌ها و اندرزها، جلد ۱، صفحه ۶۷

خسارت محض صادرات پسته

سیدیاسر جبرائیلی، کارشناس اقتصاد سیاسی، در کانال تلگرامی خود نوشت: دبیر کل انجمن پسته ایران گفته است: «از فروردین تا تیر امسال، ۳۵ هزار تن پسته به کشورهای خارجی صادر شد که رشد ۲۳۵ درصدی نسبت به مدت مشابه پنج سال گذشته را نشان می‌دهد. در این بازه چهار ماهه با برداشتن پیمان سپاری ارزی پسته و خرما صادرکنندگان به میدان آمدند و توانستند صادرات پسته را به خوبی انجام دهند.» برداشتن پیمان سپاری ارزی، یعنی ملزم نبودن صادرکنندگان به بازگرداندن ارز به چرخه اقتصاد کشور و وقتی ارز به چرخه اقتصاد بازنگردد، صادرات اگر هزار درصد هم رشد کند، تفاوتی در زندگی مردم ایجاد نخواهد کرد. پسته‌ای که در خاک ایران روئیده، از آب ایران سیراب گشته، عرق کارگر ایرانی پای آن ریخته شده و از صدها امکان دیگر ایرانی بهره برده، یا باید به مصرف مردم ایران برسد یا ارز حاصل از صادراتش نیازهای مردم ایران را رفع کند. صادراتی که درآمد ارزی‌اش به چرخه اقتصاد بازنگردد، خسارت محض است. صادرکننده باید حاصل زحماتش را به ریال دریافت کند و ارزی که عملاً حاصل صادرات بخشی از خاک میهن به خارج است، صرف وارد کردن کالایی دیگر به میهن گردد تا جبران مافات شود.

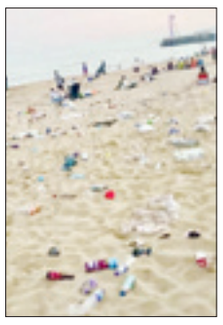

باورهایی که از بازنمایی‌های رسانه می‌آید

محمد اکبرزاده با اشاره به تصاویر فوق که نشان‌دهنده راهپیمایی مردم آلمان در مخالفت با سیاست‌های قرنطینه کرونایی و حضور اخیر مردم و ریختن آشغال در سواحل اروپاست، نوشت: «کرونا به ما ثابت کرد بسیاری از باورهایی که باعث مقهور شدن ما در برابر غرب شده به نحوه بازنمایی غرب در رسانه‌ها برمی‌گردد! کرونا ویروس خطرناکی است، اما اگر بتواند ویروس خودتحقیری را از ذهن ما پاک کند و خباثت نارسانه‌ها را عیان کند، باید قدردانش باشیم!»

پمپئو: اپلیکیشن‌های موبایل مشکلات واقعی امنیت ملی هستند!

به گزارش کانال تلگرامی «پایش امریکا» مایک پمپئو وزیر امور خارجه امریکا گفت: اپلیکیشن‌های چینی اطلاعات کاربران را مستقیماً به حزب کمونیست چین منتقل می‌کنند. مردم امریکا «درک کنند» این اپلیکیشن‌های موبایل چینی داده‌هایی را گردآوری می‌کنند که می‌تواند الگوی تشخیص چهره آنها باشد و اطلاعاتی درباره محل سکونت‌شان، شماره تلفن آنها و دوستانی که با آنها مرتبط هستند را جمع‌آوری کند. آنها مشکلاتی هستند که پرزیدنت ترامپ روشن کرده و ما به آنها رسیدگی خواهیم کرد. این اپلیکیشن‌ها به معنی واقعی مشکلات امنیت ملی هستند. اظهارات پمپئو در حالی مطرح می‌شود که فراگیرترین اپلیکیشن‌های موبایلی در اختیار شرکت‌های امریکایی است و آنها نیز اقدام به جمع‌آوری اطلاعات کاربران می‌کنند. ترامپ که در تلاش برای ممنوع کردن استفاده از اپلیکیشن «تیک تاک» در امریکاست بارها کشورهای دیگر را برای محدودسازی استفاده از اپلیکیشن‌های خارجی مورد حمله قرار داده و آن را به عنوان سلب آزادی‌های مشروع شهروندان محکوم کرده است.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به دروغ‌پراکنی‌های تازه شبه رسانه ملکه درباره آمار کرونا در ایران

ویروس بی‌بی‌سی فارسی کشنده‌تر از کرونا

انگلیس همیشه از منفورترین کشورها نزد ایرانیان بوده است و هر چه تلاش کرده نتوانسته این نفرت را از دل ایرانیان پاک کند. ایرانی‌ها جنایت‌های دارودسته ملکه را در استعمار کشورشان هرگز فراموش نکرده و نمی‌کنند. این استعمار هر چند به برکت انقلاب اسلامی وجود فیزیکی‌اش پاک شده است، اما با تغییر چهره تلاش دارد تا از استعمار خاک و نفت به استعمار اندیشه بدل شود. شبه رسانه بی‌بی‌سی فارسی نقش اصلی را در استعمار نوین دارد. اخیراً این شبه رسانه آمارهای کذبی را از تعداد بیماران مبتلا به کرونا و فوت‌شدگان این بیماری در ایران منتشر کرده است که حتی منبع آن برای خودش هم قابل‌اعتماد نیست و به صراحت در متن خبر از نامطمئن بودن منبع می‌گوید. این آمارها خون کاربران شبکه‌های اجتماعی را به جوش آورده و از نمکی که این سربازان ملکه بر زخم کرونا می‌پاشند عصبانی شده‌اند. کاربران با هشتگ «بی‌بی‌سی خفه شو» و «BBCshutup» به دروغ‌پراکنی‌های اخیر این شبکه ماهواره‌ای واکنش نشان دادند. در ادامه برخی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

■ **علیرضا گرائی:**
انگلستان؛ سرنگونی دولت ایران با کودتا! قتل‌عام ۹میلیون ایرانی با قحطی! غارت منابع ایران با قرارداد دارسی! جدا کردن بحرین با کمک ضعف شاه! ۷۰سال غارت ایران با قرارداد رویترز! و... حالا هم با ویروسی به نام بی‌بی‌سی می‌خواهد استقلال و آرامش ایران را نابود کند! اما کور خوانده.

■ **وحید یامین‌پور:**
بی‌بی‌سی رسانه نیست، تماماً نویز است برای شنیده نشدن حقیقت.

■ **حمیدرضا عبدالمنافی:**
هر وقت انگلستان خبیث خواست کشوری رو استعمار و منابع آن کشور را غارت کند و مردمانش را به بردگی خود بگیرد. بی‌بی‌سی می‌آمد با پمپاژ خبری علیه هویت تاریخی آن کشورها مردم را مسموم خبری می‌کرد و حس ملی‌گرایی در مردم را از بین می‌برد تا در برابر غارتگران ایستادگی نکنند.

■ **علی نیاکان:**
در خباثت رسانه ملکه انگلیس همین بس که اعتراف تروریست جانی جلوی دوربین صدا و سیما رو شکنجه، اعتراف اجباری و غیرقابل استناد جلوه میده، اما یک فایل صوتی دستکاری شده براش میشه منبع موثق از داخل ایران که نخواسته نامش فاش بشه!

■ **کیان مهزاد:**
مردم کم استرس کرونا را دارند، حالا شبه رسانه ملکه هم نمک بر زخمشان می‌پاشد. این نشان می‌دهد هدف آنها نه حاکمیت ایران، بلکه مردم ایران است. چه حرام لقمه‌هایی هستند سربازان این شبکه که به هموطنان خود رحم نمی‌کنند. خبرنگاران فارسی‌زبان این شبکه از هر خائنی خائن‌ترند. دست‌بوسی ملکه برای فرو کردن خنجر به پشت هموطن! داعش رسانه‌ای...

■ **سیدپویان حسین‌پور:**
رویه بنگاه خبرپراکنی ملکه فرتوت انگلیس، همیشه مبتنی بر کثافت‌کاری رسانه‌ای بوده است، اما گویا این روزها، در خلأ امثال آمدنیوز و بعد از ضربه حیثیتی که به ایران اینترنشنال وارد شد، بی‌بی‌سی فارسی با تمام قوا مأمور به پر کردن جاهای خالیست. البته که خواب آشفته‌ای بیش نیست!

■ **سیدمرتضی:**
انگلیس و رسانه‌های مرتبطش چه قبل از انقلاب و چه بعد از اون محل اخبار دروغ و فتنه‌انگیز علیه ملت ایران بودند. روباه پیر خبیث سال‌هاست برای نابودی ملت ایران فعالیت می‌کند، هرگز سیاست‌کاری شبکه‌هایی مثل بی‌بی‌سی در راستای سلامت روانی ملت ایران نبوده و نیست.

■ **فامیل دور:**
از نقش مهم بی‌بی‌سی در آماده‌سازی فضای ایران برای کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا فتنه ۸۸، همه و همه در جهت دشمنی‌اش با مردم ایرانه الانم در ادامه همین دشمنی با استفاده از ضعف رسانه در ایران با انتشار اخبار دروغ و تحریف، سعی در ناامید کردن مردم داره با شکست تحریف، تحریم رو شکست میدیم.

■ **مهدی کیا:**
بزرگ‌ترین آسیب امثال بی‌بی‌سی تعطیلی اندیشه در مخاطبان این شبکه‌هاست؛ مخاطب به‌مرور عادت می‌کند هر خبر دروغ و ادعای عجیب را بدون تفکر بپذیرد، و هر استدلال مخالف را نشنیده رد کند.

■ **فرید ابراهیمی:**
قبلترها می‌گفتند بی‌بی‌سی ۲۰سال راست میگه تا یک شب خاص دروغ بگه. الان به جایی رسیده که هر شب دروغ میگه، بلکه در ۲۰سال یکیش راست از کار در بیاد!

تحلیل

کتاب‌ها را از کتابخانه به خانه مردم ببریم

حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، استاد دانشگاه تهران و تاریخ‌پژوه برجسته معاصر، در کانال تلگرامی خود نوشت: کرونا، به بسیاری از مشاغل لطمه زده و زندگی اقتصادی بسیاری از مردم را گرفتار مشکل کرده است. یکی از آسیب‌های جدی او، به حوزه علم است. از آموزش‌وپرورش گرفته تا دانشگاه، تا مراکز مستقلی که به تدریس زبان یا آموزش حرفه‌ها اشتغال دارند. مهم‌ترین مسئله تعطیلی کلاس‌هاست که جای آنها را کلاس‌های مجازی گرفته و این البته تا اینجای کار، جدی جواب نداده است. کتابخانه‌ها نیز غالباً تعطیل شده و دسترسی مردم به منابع بسیار مشکل شده است. دانشجویان و علاقه‌مندان دیگر، به اجبار باید خطر کرده، راهی اینجا و آنجا شوند تا از دوست و آشنا کتابی به دست آورند. بخشی از این مشکل را فایل‌های دیجیتالی حل کرده و صد رحمت به تلگرام که هزاران هزار فایل کتاب را ـ حلال یا حرام ـ به راحتی در اختیار متقاضیان قرار داده است. بسیاری از پایگاه‌ها با فراهم کردن امکان اوپن سُرس برای مشتریان، دسترسی به منابعی را آزاد کرده‌اند. البته همه مردم، راه استفاده از این پایگاه‌ها را نمی‌دانند، اما به هر حال، می‌توانند با پرس‌وجو به بخشی از آنها برسند. در حوزه منابع ایرانی، به دلیل اینکه کتاب‌های تازه چاپ شده فایل ندارند، امکان دسترسی بسیاری از مردم آن هم در این شرایط سخت وجود ندارد. به علاوه که ناشران و نویسندگان، اجازه این کار را نمی‌دهند و حق دارند.

سر جمع، مشکلات حقوقی زیادی در ارتباط با کتاب‌ها و مقالات وجود دارد که همه را به دردسر انداخته است. حل مشکلات حقوقی این بخش، نیاز به پژوهش از سوی حقوقدانان و فقیهان دارد، نیاز به توجه جدی مسئولان کتاب در کشور دارد، اما اینکه این تحقیقات صورت گیرد و شکل قانونی کار چه زمانی تصویب شود، معلوم نیست به این زودی‌ها عملی باشد.

به تازگی ما با مشکل دیگری هم مواجه هستیم. اگر ما فرضاً بخواهیم در یک کتابخانه مثل ملی یا مجلس یا دانشگاه، بخش دیجیتال درست کنیم، آیا می‌توانیم از فایل‌های موجود در بازار، از کتاب‌هایی که دست‌کم مشکل حقوقی ندارند، استفاده کنیم؟ بسیاری از کتاب‌های چاپی یک‌بار که اسکن بشود - البته این کار هزینه بر است - کافی است، اما آیا کتابخانه‌های دیگر هم می‌توانند در بخش دیجیتال خود از آن استفاده کنند؟ ممکن است آن کتابخانه ادعا کند که چون آن کتاب را اسکن کرده است، اجازه نمی‌دهد دیگران از pdf آن به صورت عمومی استفاده کنند. کار مهم در این شرایط این است که دست‌کم به دیگران هم اجازه بدهند از این اسکن‌ها استفاده کنند و مزاحمتی برای دیگران فراهم نکنند.

> **یک مرکز بزرگ، مثل گوگل‌بوک در داخل تشکیل شود و همه آثار قدیمی و بدون مشکل حقوقی را یکجا عرضه کند. اگر این دومی باشد، هم کار بقیه آسان‌تر خواهد بود و هم هزینه کمتری در کل، بر مملکت تحمیل خواهد شد**

در هر حال، دو راه است: یکی اینکه کتابخانه‌های بزرگ موظف باشند کتاب‌های خود را اسکن کرده و هر کسی آنچه را که خود مالک آن است، عرضه کند که این البته، به تکرار اسکن در بخش زیادی از کتاب‌های مشترک خواهد انجامید. دوم اینکه یک مرکز بزرگ، مثل گوگل بوک در داخل تشکیل شود و همه آثار قدیمی و بدون مشکل حقوقی را یکجا عرضه کند. اگر این دومی باشد، هم کار بقیه آسان‌تر خواهد بود و هم هزینه کمتری در کل، بر مملکت تحمیل خواهد شد.

اما این مرکز که بتواند مثل گوگل بوک عمل کند و همه را یکجا جمع و عرضه کند، کدام مرکز خواهد بود؟ آیا برای این کار، با اسکن کتاب‌های دیگران، باز هم از مردم هزینه دریافت خواهد کرد یا الزاماً آنها را مجانی در اختیار خواهد گذاشت؟ آیا چنین مرکزی امکان تحقق در ایران دارد؟ فقط می‌توانم عرض کنم که در حال حاضر، اوضاع بلبشو و درهم ریخته‌ای بر این امر حاکم بوده و هیچ‌کس تکلیف خود را نمی‌داند و چنان که یک بار دیگر هم گفتم، بسیاری از ماها، در زمینه استفاده از آثار الکترونیکی دیگران، در حال حرام‌خواری هستیم.

من فکر می‌کنم در شرایط موجود و پیش از رسیدن به یک نقطه تعادل در این زمینه، هر کسی در هر کتابخانه که امکان اسکن آثار منحصر خود را دارد، آنها را اسکن کرده و از راهی که ممکن است در اختیار دیگران بگذارد. در حال حاضر، یکی از این ابزارها، تلگرام است که تعداد زیادی به آن دسترسی دارند و تا اندازه‌ای می‌شود در آن سرچ کرد.

من از مدیران کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مرعشی، کتابخانه مجلس و کتابخانه‌های کوچکی که آثار چاپی باارزش و منحصر دارند، می‌خواهم تا آنجا که می‌توانند این آثار را اسکن کرده و از هر طریق ممکن در اختیار عموم قرار دهند. این کار، در نشر علم، آن هم در شرایطی که کرونا ضربه سنگینی به دانش‌اندوزی جوانان و پژوهشگران ما زده، بهترین اقدام برای ترویج علم است. طبیعی است که آثار خطی، اسناد، عکس‌ها و نقشه‌ها نیز باید همین مسیر را برود، اما عجالتاً معضل ما کتاب‌های چاپی است.

ما مدیران روی گنجی عظیم قرار گرفته‌ایم که با پول این ملت فراهم آمده است. اگر روزانه، هر کدام ۲۰ کتاب اسکن کرده و در جایی قرار دهیم که مردم به راحتی بتوانند استفاده کنند، آن وقت خواهیم دید که سالانه، هزاران کتاب را به میان مردم برده‌ایم، آن هم درست در وقتی که هیچ‌کس نمی‌تواند به کتابخانه‌ها آمده و از کتاب‌ها استفاده کند. به جای آن که تا پیش از این مردم برای مطالعه پیش ما می‌آمدند، اکنون کتاب‌ها را به خانه آنها ببریم.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۳۱
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

تصویر خیالی ترامپ از ایران

ترامپ صبح روز بعد اذعان کرد که توییت‌های او عالی بودند و گفت: «تهران هم مثل همین‌جاست و آدم‌ها در اتاق‌ها جلسه می‌گذارند و درباره این موضوعات صحبت می‌کنند.» این یکی دیگر از تصویرسازی‌های خیالی ترامپ بود که همه را قیاس به خود می‌کرد. او درباره اشتیاق ایرانی‌ها به مذاکره هم همین تصویرهای خیالی را داشت که ما بعداً متوجه آن شدیم و فهمیدیم او به رند پال برای مذاکره با ایرانی‌ها نیابت داده است. وقتی روز شنبه این اخبار را به پمپئو منتقل کردم او خیلی ساده و رک به اخبار واکنش نشان داد و گفت اگر این فقط یک کار حساس بود که ترامپ آن را به پال واگذار کرده، تعجب‌آور بود چه برسد به اینکه این کار سرنوشت ریاست جمهوری ترامپ را تعیین می‌کند. من به پمپئو گفتم که روز یک‌شنبه جلسه‌ای با نتانیاهو در اورشلیم خواهم داشت و اگر همه چیز آنطور که در ذهنم برنامه‌ریزی کرده‌ام، پیش برود نتایج فوق‌العاده‌ای خواهد داشت و بعد از این به احتمال خیلی زیاد کار من به عنوان مشاور امنیتی ملی به پایان خواهد رسید. پمپئو با لحن شوخی گفت: «پس یک بازی دو سر برد است.» بعد از چندین گفت‌وگویی که در روزهای جمعه با پمپئو داشتم احساس کردم که او چندان هم این حرف را به شوخی نزد و کاملاً جدی بود. اگر او مایل بود و ما دو نفر همزمان استعفا می‌دادیم، حسابی غافلگیرکننده بود. ما نسبت به هر زمانی در گذشته به هم نزدیک‌تر شده بودیم، اما استعفای همزمان بعید به نظر می‌رسید.
خبرنگاران از ترامپ درباره من سؤال می‌کردند و او در آستانه سفر به کمپ دیوید در روز شنبه بود که در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگارها گفت: «من با جان بولتون اختلافات بسیاری دارم... جان بولتون کارهای خیلی خوبی کرده است، اما در کل مواضع و کنش‌های سرسختانه‌ای دارد... افرادی هستند که نمی‌توانند این مواضع و کنش‌ها را تحمل کنند، اما به هر حال تنها کسی که مهم است، من هستم.» با این پاسخ ترامپ باید هر چه زودتر به این سؤال پاسخ می‌دادم که چقدر دیگر باید در جایگاهم بمانم.

عکس عجیب هیتلر و «به مرور زمان!»

احسان محمدی، روزنامه‌نگار، در کانال تلگرامی خود با اشاره به عکس فوق نوشت: در اوایل فیلم فروشنده ساخته اصغر فرهادی وقتی یکی از شاگردانش در مورد داستان «گاو» غلامحسین ساعدی از عماد (شهاب حسینی) می‌پرسد: «آقا چه‌جوری یه آدم گاو میشه؟» عماد لابه‌لای خنده بچه‌ها به آرامی می‌گوید: «به مرور!»
این عکس از ۱۰ سالگی آدلف هیتلر در کلاس چهارم در نوع خودش شگفت‌انگیز است. پیدا کردنش کار دشواری نیست. ردیف بالا، نفر وسط. فقط سبیل مخصوصش را ندارد، وگرنه انگار از همان اول خیز برداشته بود که فرمانده و فرمان‌روا بشود. بالاتر از همه بایستد و به دوربین‌ها زل بزند.
در این عکس، اما فقط یک پسر بچه ۱۰ ساله را می‌شود دید که شاید مورچه‌ها را لگد می‌کرده یا از شاخه درخت‌ها آویزان می‌شده است. همین! یک پسربچه پرشور که پدرش کارمند پایین رتبه گمرک بود. آدولف اینجا در این عکس هنوز برادرش ادموند را دارد. یکسال بعد ادموند سرخک گرفت و درگذشت.
می‌گویند این اتفاق تأثیری دائمی در آدولف ایجاد و اعتماد به نفس او را تا حدود بسیاری تضعیف کرد و باعث شد آدولف هیتلر کج‌خلق شود و همواره با پدرش جر و بحث کند. پدری که او را کتک می‌زد.
دو بار مؤسسه هنرهای زیبای وین وقتی تنها ۱۸ سال داشت او را به خاطر صلاحیت نداشتن در نقاشی رد کرد. وقتی مادر ۴۷ ساله‌اش را به دلیل سرطان از دست داد و بی‌پناه و فقیر شد، هنوز به‌عنوان یک نقاش در وین مشغول کار بود. او از روی کارت پستال‌ها طرح می‌کشید و به کاسب‌ها و گردشگرها می‌فروخت. تا قبل از جنگ جهانی اول حدود ۲هزار تابلوی اینچنینی نقاشی کرد.
پسر جوانی که می‌توانست در مؤسسه هنرهای زیبای وین یک نقاش ساده و گمنام شود (مثل صدها فارغ التحصیل این مؤسسه که حتی اسمشان را نمی‌دانیم) با یک تصمیم به آنجا راه داده نشد تا مسیرش عوض شود. به عنوان داوطلب به سربازی رفت و بعدها به یکی از خونریزترین انسان‌های روی زمین تبدیل شد. آنچه نیروهای تحت فرمان آدلف هیتلر انجام دادند یک نسل‌کشی تمام عیار و یک خشونت تکاندهنده بود که هنوز تمام اروپا از یادآوردنش شرمسار است و به خود می‌لرزد، اما همه این اتفاقات «به مرور» رخ داد.
رفتارشناسان احتمالاً در همین عکس ۱۰ سالگی هم نشانه‌هایی از زبان بدن را کشف کنند، اینکه یک نفر «رئیس» و فرمانده نمی‌شود، «فرمانده» به دنیا می‌آید و از کودکی به هر قیمتی شده مسیرش را باز می‌کند؛ حتی اگر آدولفی باشد که بعد از مرگ مادر زندگی فقیرانه‌ای داشت و در یک زیر شیروانی ساکن شد و در نامه‌ای به دوستش نوشت از دنیا چیز زیادی نمی‌خواهد، جز اینکه بتواند نقاشی کند و کتاب بخواند... چند سال بعد همه دنیا را می‌خواست و از آلمان به شوروی لشکر کشید! آدم‌ها «به مرور» عوض می‌شوند، بی‌آنکه احساس کنند. تغییر زیرپوستی و آرام، خزنده و مداوم آنچنان نهادینه می‌شود که انسان را به موجودی کاملاً متفاوت تبدیل می‌کند. برای همین قدیس‌ها در گذر زمان می‌توانند گناهکار شوند و گناهکاران هم این بخت را دارند که سرانجام رستگار شوند، اما «به مرور!»

تصویر منتخب

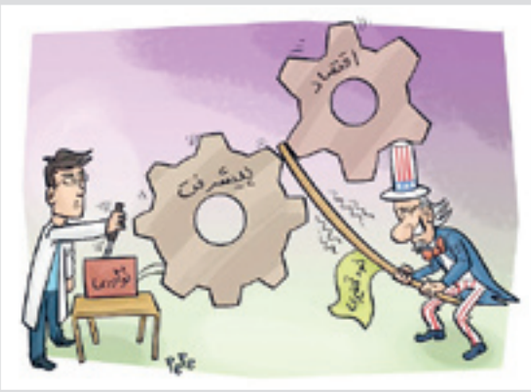

پیمان علیشاهی با انتشار تصویر فوق نوشت: اولین تحریف دشمن علیه ایران خود تحقیری است که چوب لای چرخ اقتصاد و پیشرفت کشور است.